

علم أصول الفقه

٧

٢٢-٧-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

- وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (٢٦)
- وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (٢٧)

- لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (٢٨)
- ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (٢٩)

- ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (٣٠)
- حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنْ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (٣١)

• ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ
(٣٢)

• لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ
الْعَتِيقِ (٣٣)

• وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ
مِنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَ بَشِّرِ
الْمُخْبِتِينَ (٣٤)

آیا این اتفاق
نظر فقہا
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقہا در فتوا

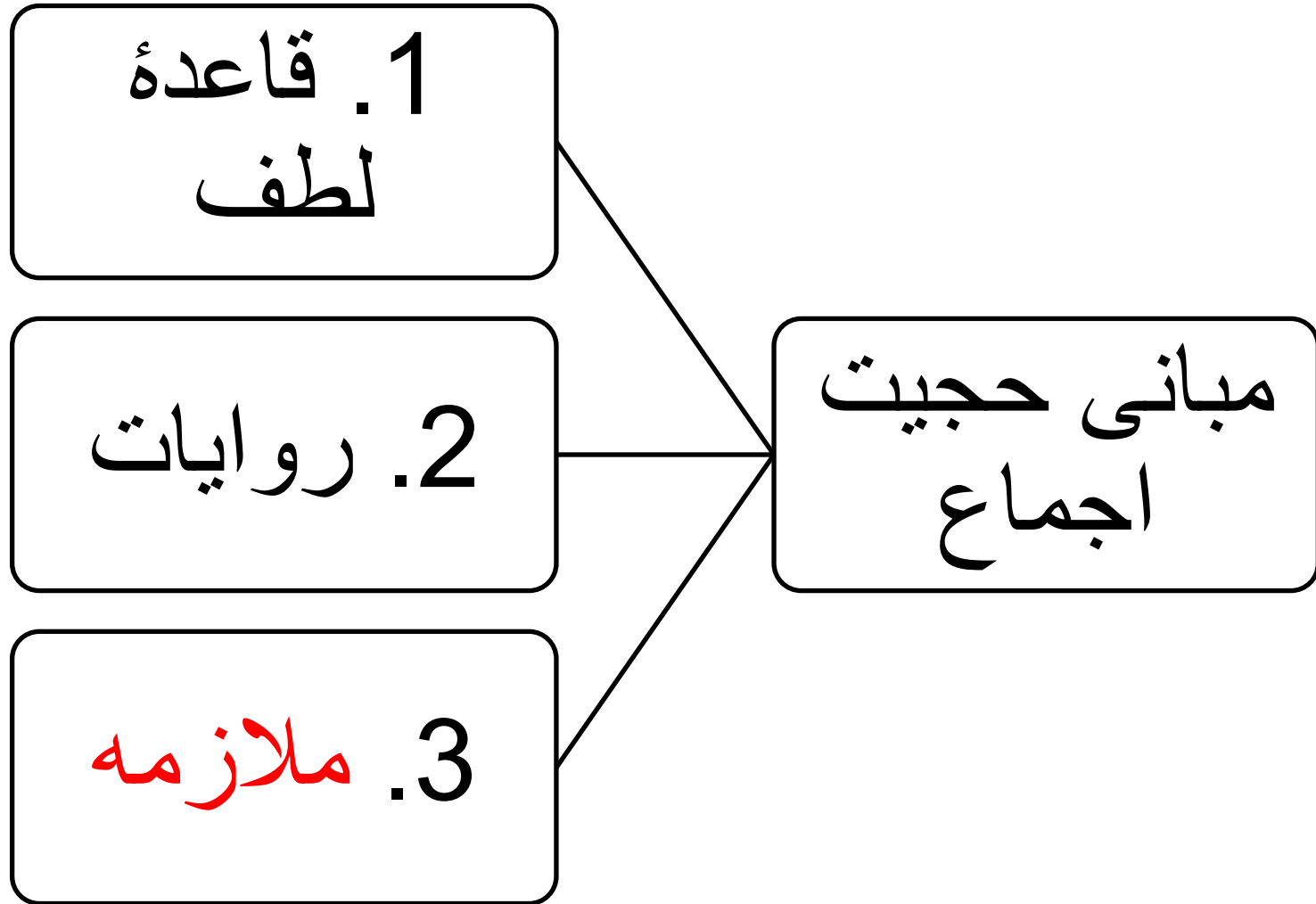
اجماع

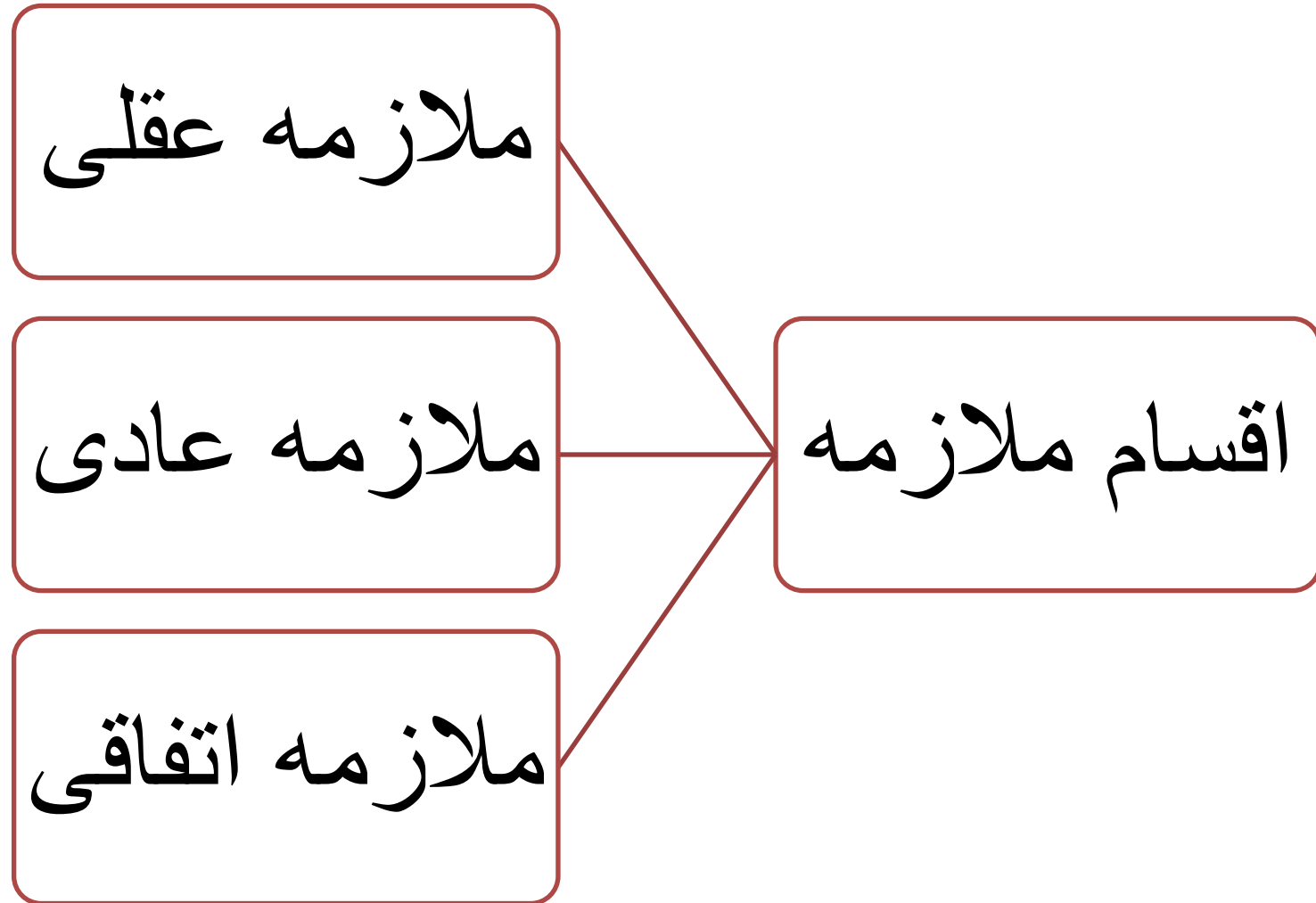
ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط





بين لازم و ملزوم
تلازم عقلي باشد

ملازمه عقلي

انفكاك لازم از
ملزوم در نظر
عقل محال نیست؛
امّا عادتاً و به
مقتضای
طبیعتشان، بینشان
تلازم وجود دارد.

ملازمه عادی

پیری ظاهری
(لازم)

طولانی شدن عمر
(ملزوم)

انفکاک لازم و
ملزوم استحاله
عقلی و عادی
ندارد، بلکه به
صورت اتفافی در
یک جا جمع
شده اند.

ملازمہ اتفافی

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، اتفاقی است.

- تعبیر حدس که در اجماع حدسی می گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین **تواتر** و **صدق، عقلی** است؛

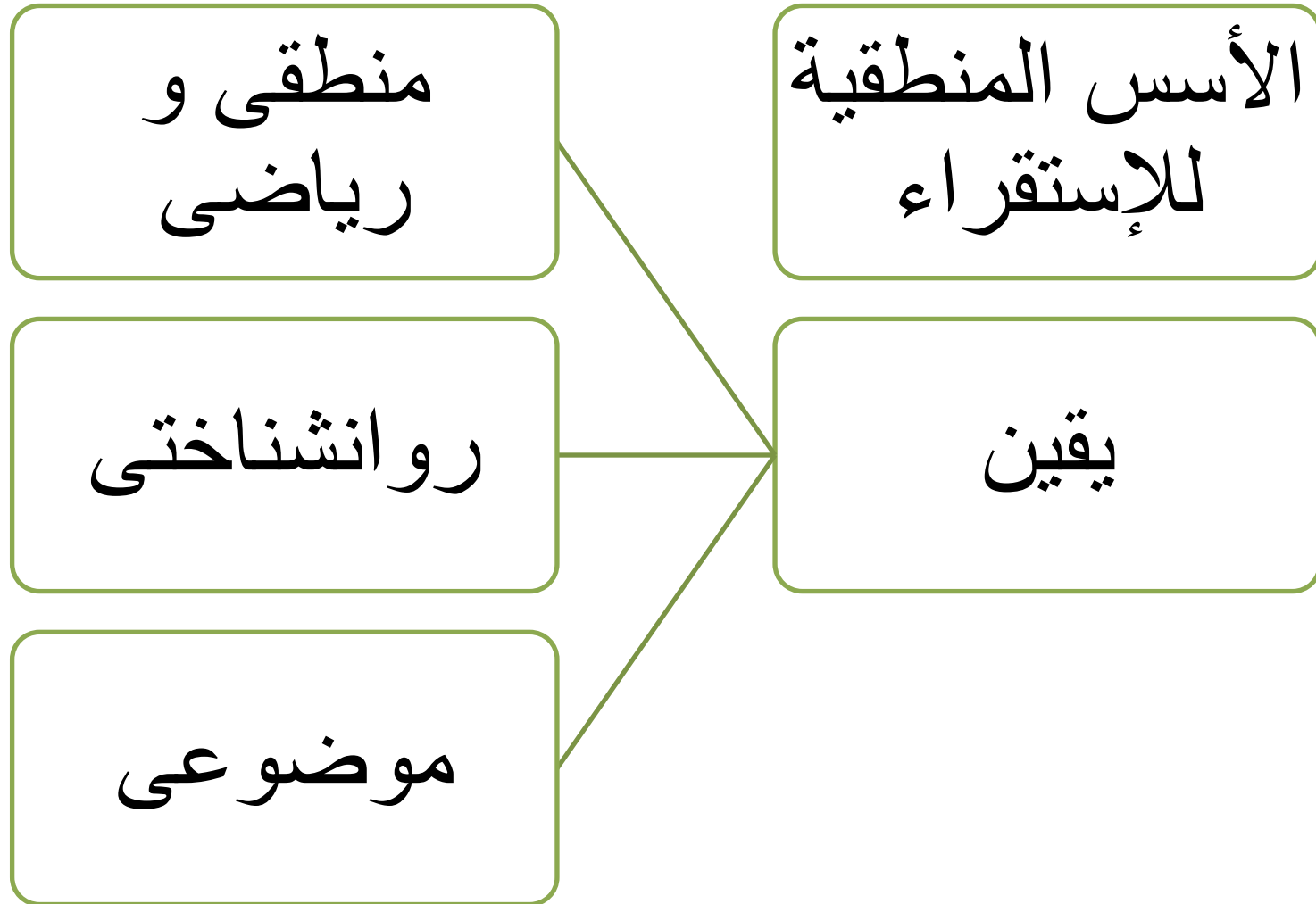
عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- بین **تواتر** و صدق ملازمه عقلی وجود ندارد
- معیاری که باعث حجیت **تواتر** می شود و **صدق** مطلب متواتر را از طریق آن کشف می کنیم، همان **حساب احتمالات** است که نوعی ملازمه **عادی** را به دنبال دارد.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- اجماع هم همین طور است
- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، عادی و بر اساس حساب احتمالات است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع



عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

1. میزان حدسی یا حسی بودن

2. مصب اجماع و تواتر

3. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعین از یکدیگر

4. تعداد عوامل خطا

تفاوت اجماع و تواتر
در بحث حجیت

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

الف. ساده یا پیچیده بودن مسأله

ب. فاصله زمانی فقیه با روزگار معصومین - علیهم السلام -

ج. میزان تخصص مجتهد

عوامل افزایش یا کاهش دخالت حس در فتوا

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- عوامل افزایش یا کاهش ارزش احتمالی فتوا

•
$$\text{ارزش احتمال مطابقت فتوا با واقع} = \frac{\text{میزان تخصص فقيه}}{\text{میزان احتیاج مسأله به قواعد اصولی و اجتهادی} \times \text{قرنی که فقيه در آن زیسته است}}$$

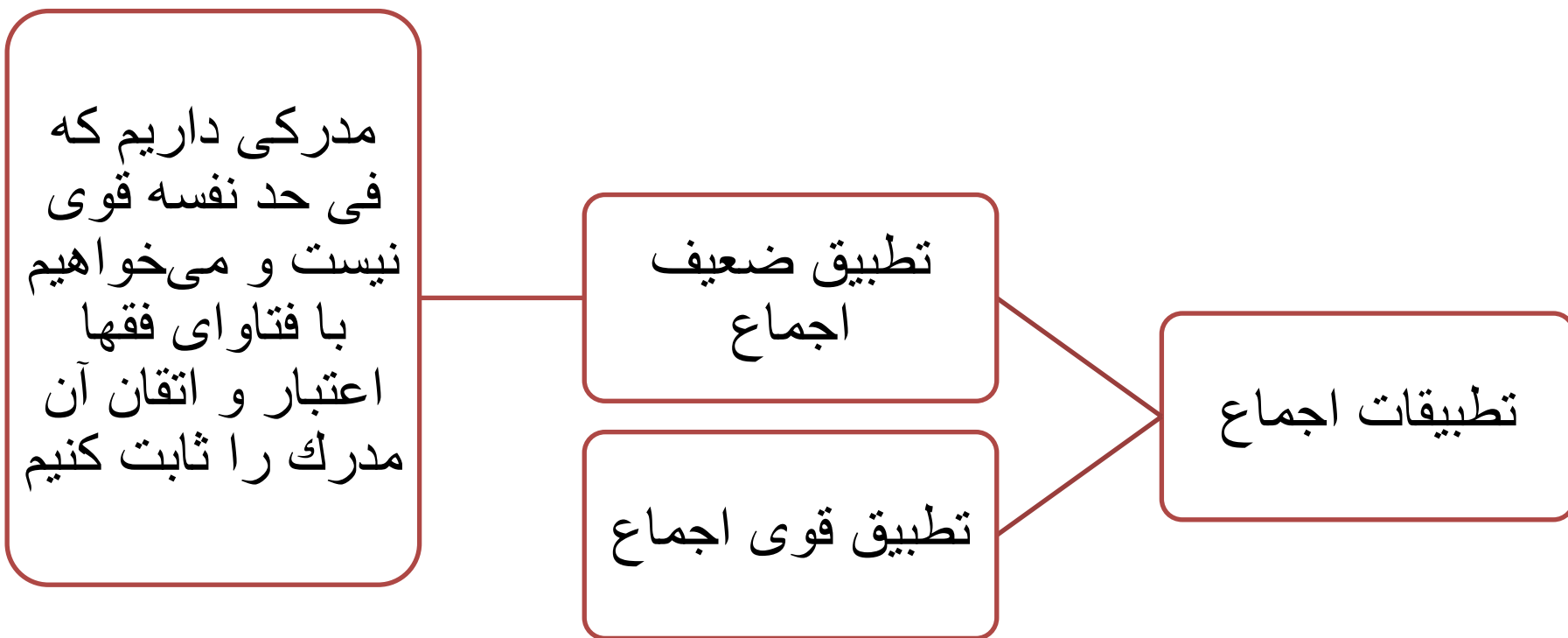
تطبيقات اجماع

- تطبيقات اجماع
- شهيد صدر - رضوان الله عليه - دو مورد از تطبيقات اجماع را ذکر می‌کنند که اسم یکی را تطبيق ضعيف و اسم دیگری را تطبيق قوی می‌گذارد.

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى
اجماع

تطبيقات
اجماع



تطبیقات اجماع

- مثلاً اینکه باید طواف بین مقام ابراهیم و بیت باشد، مستند به یک روایت است که ضعف سندش خیلی واضح است؛ یعنی اختلافی در ضعفش نیست.
- از طرف دیگر اینکه لازم نیست طواف بین مقام و بیت باشد، هم مستند به یک روایت صحیحه است.

تطبيقات اجماع

- وقتی به فتاوی فقها مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم فقها در طول تاریخ فتوا داده‌اند که باید بین مقام ابراهیم و بیت طواف کرد؛ یعنی فتاوی فقها مطابق مفاد روایت ضعیف است. در اینجا می‌خواهیم با استفاده از این فتاوا، اعتبار این روایت ضعیف السند را ثابت کنیم.

تطبیقات اجماع

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید: این تطبیق یک تطبیق ضعیف خواهد بود؛ زیرا اولاً فتوای فقها حدسی است نه حسی.
- ثانیاً احتمال دارد فقها بر اساس ادله دیگری غیر از این روایت ضعیف فتوا داده باشند و در اجماع فرض این است که دلیل فتوای آنها را نداریم.

تطبیقات اجماع

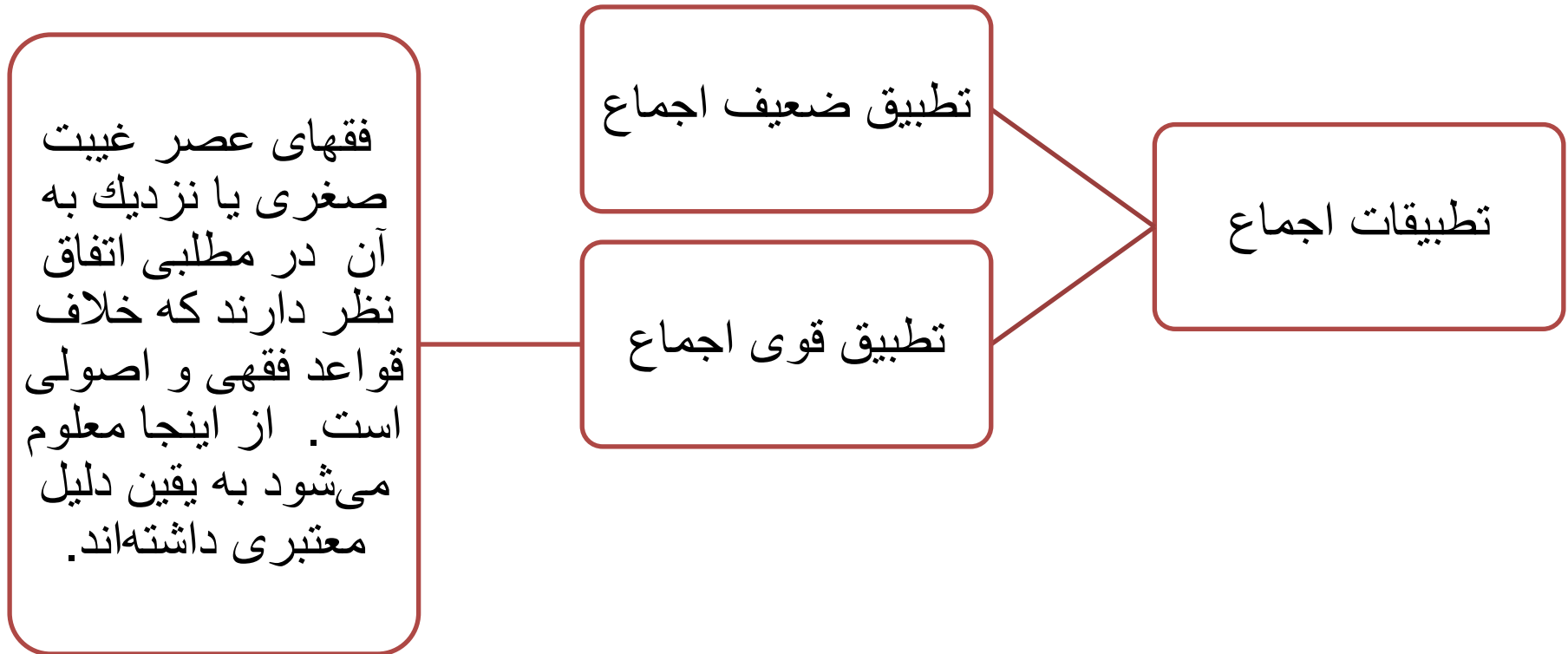
- ثالثاً احتمال دارد در این فتوا فقها تحت تأثیر یکدیگر بوده باشند؛ مثلاً در ابتدا یکی از آنها فتوا داده‌است که باید بین مقام و بیت طواف کرد. فقهای بعدی هم گفته‌اند حتماً او دلیلی داشته که چنین گفته است. بعدی هم همین طور و بعدی تا زمان ما که با اجماع مواجه می‌شویم.
- رابعاً ممکن است همه آنها مرتکب اشتباه مشترکی شده باشند؛ مثلاً فکر کرده‌اند که خارج از محدوده مقام اصلاً عنوان طواف صدق نمی‌کند. بنابر این اگر بخواهیم با فتوای فقها ضعف سند یک روایت را جبران کنیم، تطبیق ضعیف به حساب می‌آید.

تطبیقات اجماع

- گاهی استناد فتوای فقها به دلیل محرز است؛ یعنی فقها به آن آیه یا روایت استناد کرده و فتوا داده‌اند؛ اما می‌بینیم از آن آیه یا روایت این معنا را که فقها بر اساس آن فتوا داده‌اند، به راحتی نمی‌توان استظهار کرد.
- از اینجا معلوم می‌شود دلالت این آیه یا روایت بر این معنا برای آن‌ها واضح بوده است؛ مثلاً فرض کنید تعبیر «فلا جناح» دلالت بر وجوب نمی‌کند؛ ولی همه فقها فتوا به وجوب داده‌اند، از اینجا معلوم می‌شود که فقها دلیلی داشته‌اند که وجوب را برداشت کردند.

تطبيقات اجماع

- اساساً در بحث استظهار و بررسی‌های دلالی، احتمال استناد به اجماع بیشتر است؛ چون استظهار یک امر شبه حسی و ارتکازی عرفی است و فقها هم خارج از عرف نیستند، بلکه همان عرف دقیق هستند.
- بنابراین اگر همه فقها از این دلیل مطلبی خاص استظهار کرده‌اند که امروز آن ظهور را برداشت نمی‌کنیم، این احتمال به شدت تقویت می‌شود که این آیه یا روایت، چنین ظهوری در آن زمان داشته‌است.
- در اجماع فرض این است که ما فتوا را داریم ولی دلیل فتوا را نداریم و الا اگر دلیل فتوا موجود باشد، مستقیم روی دلیل فتوا بحث می‌کنیم.
- . بقره، ۲۲۹ - ۲۳۰.



تطبيقات اجماع

- . تطبيق قوى اجماع

تطبيقات اجماع

- فرض کنید همة فقهای عصر غیبت صغری یا نزدیک به غیبت صغری مثل شیخ مفید - رضوان الله علیه - شیخ طوسی - رضوان الله علیه - سید مرتضی - رضوان الله علیه - و صدوق - رضوان الله علیه - در مطلبی اتفاق نظر دارند که خلاف قواعد فقهی و اصولی مثل استصحاب یا براءت است. قواعدی که خود همین فقها ادلة آن قواعد را نقل کرده‌اند. اگر مفاد اجماع بر طبق قواعد باشد، احتمال دارد به استناد آن قواعد فتوا داده باشند و دلیل خاصی نداشته‌اند. از اینجا معلوم می‌شود به یقین دلیل معتبری داشته‌اند که بر اساس آن بخلاف قاعده فتوا داده‌اند.

تطبیقات اجماع

- دو احتمال در این دلیل معتبر وجود دارد:
- ۱. یک روایت باشد که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح بوده است.
- ۲. ارتکاز و تسالم موجود در زمان آن فقها باشد.

تطبیقات اجماع

- احتمال اول خیلی بعید است؛ زیرا فقهای مثل شیخ طوسی - رضوان الله علیه - و شیخ صدوق - رضوان الله علیه - که روایات ضعیف را هم برای ما نقل کرده‌اند، چطور در این مسأله که خودشان فتوا داده‌اند، روایتی را که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح بوده است، برای ما نقل نکرده‌اند؟! به خصوص که فقهای گذشته که حتی برای بیان فتاوایشان از متن روایات استفاده می‌کردند و مثل فقهای امروز نبودند که خیلی از فتاوا، نتیجه تأملات و اجتهادات باشد و در نهایت برای بیان فتوای خود عبارتی بیاورند.

تطبیقات اجماع

- بنابراین آن دلیل معتبر چیزی جز یک تسالم یا ارتکاز نبوده است که در زمان آن‌ها وجود داشته‌است؛ ولی به زمان‌های بعدی منتقل نشده‌است؛ چون این مسأله برای آن‌ها یک امر مسلم و ارتکازی بوده است و ضرورتی برای نقل آن نمی‌دیدند و شاید حتی به آن التفاتی نداشته‌اند. در واقع فقهایی که در آن فضا زندگی می‌کردند، از مجموع رفتارها و گفتارهایی که از معصوم - علیه السلام - به آن‌ها رسیده بود، به چنین نتیجه‌ای رسیده بودند و به تعبیر دیگر این جزء ارتکازات متشرعی در زمان آن‌ها بود.

تطبيقات اجماع

- اگر بتوانیم از طریق فتاوی فقهای گذشته وجود یک ارتکاز متشرعی را در زمان معصوم - علیه السلام - کشف کنیم، این ارتکاز، کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - خواهد بود. گفتیم در ارتکاز متشرعی آنچه خیلی مشکل است، اثبات این نکته است که ارتکاز مورد نظر از تشریح متشرعه نشأت گرفته باشد و متصل به زمان معصوم - علیه السلام - باشد.

تطبيقات اجماع

- اگر این دو کار را انجام دادیم، اثبات امضای آن ارتکاز ساده خواهد بود و بعید است که ارتکازات زمان معصوم - علیه السلام - در فاصله نزدیک دستخوش تحولی شده باشد به گونه‌ای که فقهای مثل مفید - رضوان الله علیه - و صدوق - رضوان الله علیه - و سید مرتضی - رضوان الله علیه - و شیخ طوسی - رضوان الله علیه - که در فرض ما از جمله مجمعین هستند، همگی یک ذهنیت مخالف با ذهنیت زمان معصوم - علیه السلام - پیدا کرده باشند.

تطبیقات اجماع

- بعید به نظر می‌رسد برای فرضی که شهید صدر - رضوان الله علیه - فرموده‌اند؛ یعنی مسأله‌ای که فقهای چون شیخ مفید - رضوان الله علیه - شیخ طوسی - رضوان الله علیه - صدوق - رضوان الله علیه - و سید مرتضی - رضوان الله علیه - در آن اتفاق نظر داشته باشند و خلاف قواعد هم باشد و هیچ دلیلی هم برایش وجود نداشته باشد، بتوان مثالی یافت.

تطبيقات اجماع

- بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٣١١.
- همان.
- همان.
- آیت الله بروجردی - رضوان الله علیه - اعتقاد داشتند که شیخ طوسی - رضوان الله علیه - نزدیک به زمان نص بوده است و احتمال دارد قرائن لبی یا لفظی ای در اختیار داشته است که به ما نرسیده است. به همین جهت به راحتی بر خلاف فتاوی شیخ طوسی - رضوان الله علیه - فتوا نمی دادند. شهید صدر - رضوان الله علیه - چیزی بالاتر از این را می گوید.
- بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٣١٣.
- هادوی تهرانی، مهدی، تأملات در علم اصول فقه، کتاب اول (اصول فقه)، دفتر اول، بحث سیره و ارتکاز.
- بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٣١٤.

شبهات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقها
از اهل البيت ع

2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبهات مطرح در
بحث اجماع

شبهات مطرح در بحث اجماع

- ۱. تأخر زمانی فقها از اهل البيت - عليهم السلام -
- ما آراء فقهای زمان ائمه - عليهم السلام - را که در واقع همان روایات بودند، جز در قالب روایات نداریم و فقهایی که در دوران بعد از ائمه - عليهم السلام - می زیستند، راهی برای دستیابی به آراء یا رفتارهای ائمه - عليهم السلام - به صورت مستقیم نداشتند.

شبہات مطرح در بحث اجماع

- قدیمی ترین کتاب های فقهی که در اختیار ما است، مربوط به شیخ مفید - رضوان الله علیه - است که خود هیچ یک از ائمه - علیهم السلام - را درک نکرده است. بنابراین فقهای ما نمی توانستند مطلبی را از ائمه - علیهم السلام - شنیده یا دیده باشند که در آثار و روایات نباشد. پس چطور فتوایشان می تواند کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - باشد.

شبهات مطرح در بحث اجماع

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرماید درست است که اینها هیچ یک از ائمه - عليهم السلام - را ندیدند؛ اما چون در زمان نزدیک به زمان ائمه - عليهم السلام - زندگی می کردند، ارتکازات زمان ایشان در ذهن اینها هم بود و بر اساس همین مرتکزات متشرعی چنین فتوایی را داده اند و فرض هم این است که می دانیم هیچ روایت مشخصی در قالب یک گفتار واضح با یک رفتار واضح برای این فتوا وجود ندارد.

شبہات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقہا
از اهل البیت ع

2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبہات مطرح در
بحث اجماع

شبهات مطرح در بحث اجماع

- ۲. چرایی نقل نکردن مستند
- محقق اصفهانی - رضوان الله عليه - در اشکالی شبیه به اشکال نخست می گوید اولاً بعید است که مجمعی یک روایت معتبر و واضح داشته‌اند و به استناد آن فتواداده باشند؛ چون اگر واقعاً چنین روایتی با این درجه اعتبار و وضوح وجود داشت، چرا هیچ یک از فقها یا روات آن را نقل نکرده‌اند در حالی همین‌ها چه بسیار روایات ضعیف الدلاله و السند را در کتب خود نقل کرده‌اند.

شبهات مطرح در بحث اجماع

- ثانياً به فرض که چنین روایتی بوده باشد، از کجا معلوم که آن روایت از دید ما معتبر باشد؛ زیرا مبانی ما در پذیرش روایات با مبانی قدما فرق دارد؛ مثلاً می‌بینیم صدوق - رضوان الله علیه - در «من لا یحضره الفقیه» به روایاتی استناد می‌کند که بنابر گفته خودش در ابتدای همین کتاب، آنها را حجت می‌داند در حالی که ما بعضی از همان روایات را معتبر نمی‌دانیم.

شبهات مطرح در بحث اجماع

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرماید با توضیحات گذشته ما هم این احتمال را که مجمعی یک مدرک لفظی با سند صحیح و دلالت روشن داشته‌اند و به اعتبار آن فتوا داده‌اند، منتفی می‌دانیم؛ اما می‌تواند مستندشان یک ارتکاز متشرعی بوده باشد که در زمان آن‌ها وجود داشته‌است؛ هر چند در زمان متأخر نسبت به آن تردید پیدا شده یا از بین رفته باشد.

شبّهات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقها
از اهل البيت ع

2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبّهات مطرح در
بحث اجماع

شبهات مطرح در بحث اجماع

- ۳. اجماع منبعی مستقل یا در طول سنت
- اخباری‌ها اشکال کرده‌اند که ادلة احکام فقط کتاب و سنت است و اجماع جزء ادلة احکام نیست.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - جواب می‌دهند که طبق تفسیر شیعه، اجماع یک منبع مستقل برای احکام و مفاهیم دینی در عرض کتاب و سنت نیست، بلکه یک طریق است که با آن سنت را کشف می‌کنیم؛ چنان‌که سیره و ارتکاز هم طرقی هستند که با آن می‌توانیم سنت را کشف کنیم.

شبّهات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقها
از اهل البيت ع

2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبّهات مطرح در
بحث اجماع

شبهات مطرح در بحث اجماع

- ۴. عدم امکان تحصیل اتفاق کل
- شهید صدر - رضوان الله عليه - اشکالی را مطرح می‌کند که در اجماع آراء فقهای را به دست می‌آوریم که رای آنها برای ما به نحوی از انحاء نقل شده است. حال یا خودشان کتابی دارند یا شاگردانی داشته‌اند که آن شاگردانشان در کتاب‌هایشان نظر استادشان را نوشته‌اند؛ اما فقهای هم بوده‌اند که خودشان یا شاگردان آنها خیلی اهل نوشتن نبودند و تعداد این دسته خیلی بیشتر از دسته اول بوده است؛ چنان‌که در دوران شیخ مفید - رضوان الله عليه - فقط آراء یک یا دو نفر فقیه به ما رسیده است در حالی که به یقین فقهای بیشتری وجود داشته‌اند که هیچ رأی فقهی از آنها به ما نرسیده یا به صورت نادر رسیده است. پس از کجا معلوم که آنها هم همین نظر را داشته‌اند؟

شبهات مطرح در بحث اجماع

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرماید ما حجیت اجماع را با استفاده از قاعدة لطف اثبات نکردیم که گفته شود لازم است آراء تمام فقها را در آن روزگار به دست بیاوریم؛ چون اگر حتی یک مخالف وجود داشته باشد، دیگر قاعدة لطف قابل تطبیق نیست، بلکه ما گفتیم هر فتوایی یک ارزش احتمالی دارد که این ارزش احتمالی با بعضی از عوامل تقویت می شود و با بعضی عوامل تضعیف می شود؛ مثلاً هر قدر تخصص فقهی که فتوا داده بیشتر باشد یا دوره زندگی او به زمان نص نزدیک تر و احتمال وجود قرائن لویه و حالیه، در زمان او بیشتر باشد و نیز هر قدر آن مسأله از مقدمات اجتهادی کمتری برخوردار باشد و کمتر مبتنی بر حدس باشد، ارزش احتمالی آن فتوا بالاتر است. بعد از تجمیع این احتمالات و به اطمینان یا یقین می رسیم.

شبہات مطرح در بحث اجماع

- اگر ما رأی دیگران را می‌دانستیم و آن رأی موافق رأی این‌ها بود، این باعث می‌شد که سریع‌تر به یقین یا اطمینان برسیم و اگر هم رأی دیگران مخالف بود، باعث می‌شد که امکان رسیدن ما به یقین یا اطمینان کاهش پیدا کند یا اصلاً به یقین یا اطمینان نرسیم. الآن که رأی آن‌ها را نمی‌دانیم و ممکن هم است آن‌ها با رأی ما موافق باشند. این مقدار مانع نمی‌شود که به یقین نرسیم؛ چون حتی اگر احراز مخالفت می‌کردیم، ممکن بود به یقین دست پیدا کنیم. در بحث شهرت همین را خواهیم گفت.
- . همان.

شبهات مطرح در بحث اجماع

- الإصفهانی، محمد حسین بن محمد حسن، نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج ۳، ص ۱۸۵.
- بحوث في علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۳.
- شهيد صدر - رضوان الله عليه - اين اشکال را به اخباری‌ها نسبت می‌دهند. بر اساس مبانی اخباری‌ها کتاب هم قابل استفاده نیست؛ چون در بحث حجیت ظهور اشاره شد که اخباری‌ها معتقدند ظواهر قرآن برای افراد غیر معصوم قابل استفاده نیست و صرفاً خطاب به معصومین - عليهم السلام - است و فقط آنها حق دارند از قرآن استفاده کنند. به اعتقاد اخباری‌ها ما حتی در آیات قرآن باید به تفاسیر ائمه - عليهم السلام - مراجعه کنیم تا بینیم آنها در روایتشان چه معنایی را در مورد آیات بیان کردند.
- بحوث في علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۴.
- همان، ص ۳۱۵.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

